



Isnad and Theological Analysis of the “Protector of the Gazelle” Narrative in the Shi‘i Tradition: Examining Ḥadīth Authenticity and Doctrinal Implications

Soghra Radan ^{a*}, seyed hatam Mahdavinoor ^b

^a Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Yadegar Imam Khomeini (RA) Branch, Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran

^b Associate Professor, Department of Islamic Studies, Yadegar Imam Khomeini (RA) Branch, Shahr-e Ray, Islamic Azad University, Tehran, Iran

KEYWORDS

Protector of the Gazelle, Imam al-Riḍā (AS), Fabricated Ḥadīth; Wilāya Takwīnīyya, Imāmī Theology

Received: 10 August 2025;

Accepted: 20 May 2026

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2026.2068479.1129

ABSTRACT

The famous narrative of the “Protector of the Gazelle,” attributed to Imam al-Riḍā (AS), is one of the most well-known tales in Shi‘i culture. Despite its widespread fame, this narrative is not found in the authoritative ḥadīth sources of either the Shi‘a or Sunnī traditions, and from the perspective of ḥadīth sciences (‘ilm al-dirāya wa-l-rijāl), it lacks a connected chain of transmission and trustworthy narrators. Using a descriptive–analytical method with a ḥadīth–theological approach, the present study examines the place of this narrative in the ḥadīth sources and analyzes its related doctrinal foundations. The findings indicate that, although the narrative is considered fabricated (mawḍū‘) from an isnād perspective, its content is compatible with the fundamental principles of Imāmī theology, particularly the doctrines of cosmic guardianship (wilāya takwīnīyya), miracle (karāma), and intercession (shafā‘a). Moreover, evidence in some later sources suggests that the theme of the gazelle seeking refuge in the shrine of Imam al-Riḍā (AS), though devoid of transmissional authority, has been established in the Shi‘i religious memory and reproduced as a cultural–doctrinal pattern. Accordingly, distinguishing between “isnād validity” and “doctrinal–educational function” in approaching the “Protector of the Gazelle” narrative is necessary, as such a distinction both preserves scholarly integrity and maintains the narrative’s cultural and spiritual potential in reinforcing religious beliefs.

* Corresponding author.

E-mail address: soghra.radan@iau.ac.ir





تحلیل سندی و کلامی روایت «ضامن آهو» در سنت شیعی: بررسی اعتبار حدیثی و دلالت‌های اعتقادی

صغری رادان^{الف*}، سیدحاتم مهدوی نور^ب

^{الف} استادیار گروه معارف اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، soghra.radan@iau.ac.ir

^ب دانشیار گروه معارف اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، sh.mahdavinoor@iau.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
ضامن آهو، امام رضا(ع)، حدیث موضوع، ولایت تکوینی، کلام امامیه	روایت مشهور «ضامن آهو» منسوب به امام رضا(ع) یکی از شناخته‌شده‌ترین حکایات فرهنگ شیعی است. با وجود شهرت گسترده، این روایت در منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت یافت نمی‌شود و از منظر علم درایه و رجال، فاقد سند متصل و راویان موثق است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد حدیثی-کلامی، جایگاه این روایت را در منابع روایی بررسی و مبانی اعتقادی مرتبط با آن را تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که روایت از نظر سندی در شمار احادیث موضوعه قرار دارد، اما از حیث محتوایی با اصول بنیادین کلام امامیه، به‌ویژه آموزه‌های ولایت تکوینی، کرامت و شفاعت، سازگار است. همچنین شواهد موجود در برخی منابع متأخر بیانگر آن است که مضمون پناه گرفتن آهو در حرم امام رضا(ع)، هرچند فاقد حجیت نقلی، در حافظه دینی شیعه تثبیت شده و به‌صورت یک الگوی فرهنگی-اعتقادی بازتولید گردیده است. بر این اساس، تفکیک میان «اعتبار سندی» و «کارکرد اعتقادی-تربیتی» در مواجهه با روایت ضامن آهو ضروری است؛ تفکیکی که هم امانت علمی را پاس می‌دارد و هم ظرفیت فرهنگی و معنوی روایت را در تقویت باورهای دینی حفظ می‌کند.

۱. مقدمه

در سنت روایی و تاریخ اندیشه شیعی، پیوسته جریانی موازی با کتب اربعه و متون فقهی اصیل وجود داشته است که در ادبیات پژوهشی از آن با عنوان «دین مردمی» یا «تشیع عامیانه» یاد می‌شود. این جریان، که پیوند عمیقی با عواطف و نیازهای معنوی توده‌ها دارد، همواره در جست‌وجوی بسترهایی برای تجسم‌بخشی به صفات عالی‌ه اولیای الهی بوده است. در میان روایت‌هایی که به اهل بیت(ع) نسبت داده شده‌اند، برخی نه به دلیل اعتبار سندی یا استحکام فقهی، بلکه به واسطه قدرت نمادین و تأثیر عاطفی شگرف، در حافظه جمعی شیعه جایگاهی فراتر از احادیث مسند یافته‌اند. روایت مشهور «ضامن آهو» برجسته‌ترین نمونه از این دست است؛ داستانی که در آن امام رضا(ع) برای ضمانت آزادی یک آهو، قول شرف می‌دهد و با وعده بازگشت حیوان، او را برای شیر دادن به فرزندانش آزاد می‌سازد.

این حکایت که در سده‌های اخیر به یکی از نمادهای اصلی رحمت، رأفت، ولایت تکوینی و شفاعت امام هشتم در فرهنگ شیعی ایرانی تبدیل شده، فراتر از یک داستان ساده، به جزئی جدایی‌ناپذیر از هویت آیینی زائران آستان قدس

رضوی بدل گشته است. با این حال، تعارض آشکار میان «شهرت عمومی» روایت و «فقدان استنادات حدیثی»، شکاف عمیقی را میان تلقی عامه و رویکرد محققانه ایجاد کرده است. در منابع متقدم حدیثی شیعه که ستون‌های استوار مکتب اهل بیت هستند—از *الکافی* کلینی و *من لایحضره* / *الفقیه* صدوق تا آثار طوسی—اثری از این داستان یافت نمی‌شود. حتی در «موسوعه‌های روایی متأخر» همچون *بحار الانوار* علامه مجلسی که سعی در گردآوری تمامی میراث روایی داشته، روایتی با این مضمون خاص، از طریق طریق‌های مسند و معتبر، ثبت نگردیده است.

این پرسش بنیادین همواره در محافل علمی مطرح بوده است: چگونه روایتی که در شبکه حدیثی منضبط شیعه هیچ مجرای انتقال مشخصی ندارد، توانسته است به این سطح از مقبولیت و مشروعیت در لایه‌های مختلف جامعه دست یابد؟ آیا این داستان صرفاً حاصل بازتولیدهای ادبی و تخیلات مذهبی در گذار تاریخ است، یا می‌توان رگه‌هایی از آن را در کرامات شفاهی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، جست‌وجو کرد؟

پیچیدگی این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که دریابیم روایت ضامن آهو تنها یک «داستان» نیست، بلکه حاوی مضامین عمیق کلامی همچون «ولایت تکوینی» (تصرف امام در عالم هستی و حیوانات) و «شفاعت» (ضمانت رهایی) است. از این رو، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با عبور از دو رویکرد افراطی—یعنی «رد کلی روایت به دلیل فقدان سند» از یک‌سو، و «پذیرش بی‌چون و چرای آن به دلیل شهرت عاطفی» از سوی دیگر—به تحلیل بین‌رشته‌ای این پدیده بپردازد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که «ماهیت وجودی» روایت ضامن آهو چیست و چگونه می‌توان میان «بی‌اعتباری سندی» و «کارکرد مثبت اعتقادی» آن موازنه برقرار کرد؟ در همین راستا، پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از:

- خاستگاه‌های مکتوب و شفاهی این روایت در چه بازه زمانی و توسط کدام گروه‌های اجتماعی (واعظان، صوفیان یا توده مردم) شکل گرفته است؟
- عوامل جامعه‌شناختی (مانند نیاز به توسل در شرایط دشوار تاریخی) و روان‌شناختی (نیاز به پیوند عاطفی با امام) چگونه در تثبیت این روایت نقش داشته‌اند؟
- آیا می‌توان میان این داستان و روایات مشابه در اسطوره‌شناسی ملل (تطبیق تم «حیوان سخنگو» یا «موعود پناه‌دهنده») شباهت‌هایی یافت که به فهم ساختار روایی داستان کمک کند؟
- مرز میان «کرامت» و «اسطوره» در سنت رضوی کجاست؟

فرضیه پژوهش بر این مبناست که روایت ضامن آهو از منظر علم رجال و درایه، فاقد حجیت نقلی است و در زمره احادیث موضوعه یا ساخته‌شده به شمار می‌آید؛ اما به دلیل دارا بودن عناصر نمادین غنی، کارکردی «هویتی» و «تربیتی» در دین مردمی ایفا می‌کند. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی ترکیبی (کلامی، حدیثی و مردم‌شناختی)، تلاش دارد تا ضمن پاسداشت امانت علمی در نقد سندی، ظرفیت‌های معنوی این روایت را در مقام یک الگوی فرهنگی بازخوانی کند تا بدین‌وسیله نشان دهد که چگونه یک روایت فاقد سند، می‌تواند در «حافظه دینی» یک ملت، به حقیقتی فراتر از اسناد مکتوب بدل شود.

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. جایگاه روایت در مطالعات حدیث‌شناسی شیعی

در ادبیات حدیث‌شناسی شیعه، تمرکز اصلی پژوهشگران بر تمایز میان احادیث معتبر (صحیح، موثق، حسن) و احادیث ضعیف یا موضوعه بوده است. از قرن چهارم هجری و با تدوین مجموعه‌های حدیثی همچون الکافی کلینی، من لایحضره الفقیه صدوق، و تهذیب الأحکام و الاستبصار طوسی، نظامی مبتنی بر سنجش سند و متن شکل گرفت. در این آثار هیچ نشانی از روایت ضامن آهو به عنوان حدیث وجود ندارد. حتی در منابع متأخر همچون بحارالانوار نیز گزارشی مستقل از این روایت دیده نمی‌شود. پژوهشگرانی چون آیت‌الله سبحانی با تکیه بر ملاک‌های نقد حدیث (مانند نبود سند متصل، وجود راویان مجهول و ناسازگاری با آموزه‌های مسلم دینی) این روایت را در شمار احادیث موضوعه قرار داده‌اند.

۲.۲. روایت ضامن آهو در مطالعات فرهنگ دینی

از منظر تاریخ فرهنگ دینی، برخی محققان میان حدیث معتبر و روایت عامیانه تفاوت نهاده‌اند. رسول جعفریان از نخستین پژوهشگرانی است که با رویکرد تاریخی-اجتماعی به روایت ضامن آهو پرداخته است. وی تأکید دارد که بخشی از روایات مشهور، نه ریشه در متون حدیثی، بلکه در بسترهای عاطفی و آیینی دین مردمی شیعه پدید آمده‌اند و در قالب مجالس روضه، تعزیه و ادبیات آیینی تثبیت شده‌اند. روایت ضامن آهو نمونه‌ای روشن از این دسته است که هرچند فاقد اعتبار حدیثی است، اما به عنوان یک نماد آیینی و فرهنگی در حافظه جمعی جای گرفته است. (جعفریان، ۱۳۸۸، ۴۳۱)

۲.۳. فقدان پژوهش جامع و مستقل

بررسی منابع نشان می‌دهد که اگرچه در مقالات و پژوهش‌های پراکنده به روایت ضامن آهو اشاره شده، اما کار جامع و مستقلی که ابعاد گوناگون این روایت را به طور هم‌زمان (سندی، فقهی، کلامی و فرهنگی) بررسی کرده باشد، بسیار اندک است. بیشتر پژوهش‌ها یا صرفاً جنبه‌های فقهی را مد نظر قرار داده‌اند یا به وجه فرهنگی و هنری آن پرداخته‌اند. مقاله حاضر تلاش دارد با رویکردی میان‌رشته‌ای، این خلأ پژوهشی را تا حدی جبران نماید.

۲.۴. روایت ضامن آهو در مطالعات مردم‌شناسی دینی

در حوزه انسان‌شناسی دینی، روایت ضامن آهو به عنوان نمونه‌ای از «دین مردمی» مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشگرانی همچون امیل دورکیم، کلیفورد گیرتز و میرچا الیاده تأکید کرده‌اند که دین، حتی در غیاب اعتبار نصی، می‌تواند در قالب آیین‌ها، اسطوره‌ها و روایت‌ها کارکرد هویتی و روانی ایفا کند. بر همین اساس، روایت ضامن آهو هرچند فاقد سند معتبر است، اما در نظام باور دینی-عاطفی شیعه جایگاهی محکم یافته و بخشی از تجربه معنوی جمعی را شکل داده است.

۳. تحلیل سندی روایت ضامن آهو بر اساس منابع حدیثی و رجالی

با بررسی سندی روایت ضامن آهو براساس منابع حدیثی و رجالی این موارد به دست آمد:

۳.۱. فقدان در منابع حدیثی شیعه

بررسی دقیق منابع حدیثی اولیه امامیه مانند الکافی کلینی (م. ۳۲۹ق)، من لا یحضره الفقیه صدوق (م. ۳۸۱ق)، تهذیب الأحکام و الاستبصار طوسی (م. ۴۶۰ق) نشان می‌دهد که روایت ضامن آهو در هیچ‌یک از این آثار وجود ندارد. حتی در منابع حدیثی متأخر همچون بحارالانوار مجلسی (م. ۱۱۱۰ق) گزارشی مستقل از این روایت دیده نمی‌شود و تنها اشاره‌هایی کلی به کرامات و فضائل امام رضا(ع) وجود دارد. دو گزارش وجود دارد که در بخش آتی صحبت خواهد شد.

۳.۲. بررسی در منابع اهل سنت

منابع اصلی اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی‌داوود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه نیز مطلقاً از این روایت خالی هستند. این نکته اهمیت دارد، زیرا برخی روایات کرامتی در هر دو مکتب نقل شده‌اند؛ اما در مورد ضامن آهو هیچ سابقه‌ای در منابع اهل سنت وجود ندارد.

۳.۳. بررسی در منابع جعلیات

آثاری که به شناسایی و نقد احادیث جعلی اختصاص یافته‌اند، مانند الموضوعات ابن جوزی، اللآلی المصنوعة سیوطی و تنزیه الشریعة ابن عَرَفی، هیچ اشاره‌ای به روایت ضامن آهو ندارند. این غیبت می‌تواند حاکی از آن باشد که این روایت در قرون نخستین مطرح نبوده و بعدها در متون فارسی و ادبیات آیینی شکل گرفته است؛ یا آن که از منظر محدثان، ارزش طرح در شمار جعلیات را نیز نداشته است.

۳.۴. دو گزارش در منابع شیعه

با وجود فقدان این روایت در منابع اصلی، دو گزارش مرتبط باید مورد توجه قرار گیرد: نخست در عیون اخبار الرضا شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) که از منابع کهن امامیه است، و دوم در بحارالانوار علامه مجلسی (ج ۴۸، ص ۳۲۸) که از منابع متأخر محسوب می‌شود. گزارش نخست نشان می‌دهد که مضمون روایت پیشینه‌ای دست‌کم در قرن چهارم داشته، در حالی که گزارش دوم بیانگر تثبیت آن در فضای آیینی و فرهنگی مشهد در قرون بعدی است.

۳.۵. تحلیل رجالی

الف) روایت «عیون اخبار الرضا»

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا (ج ۲، ص ۲۰۴) گزارشی آورده است که در آن شخصی در ماجرای شکار آهو به امام رضا(ع) متوسل می‌شود و حیوان به حرم آن حضرت پناه می‌برد. سند این روایت چنین نقل شده است: « حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ السَّلِيطِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ الْحَاكِمَ الرَّازِيَّ صَاحِبَ أَبِي جَعْفَرٍ الْعُتْبِيَّ يَقُولُ: بَعَثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ الْعُتْبِيُّ رَسُولًا إِلَى أَبِي مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ الرَّزَّاقِ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الْخَمِيسِ اسْتَأْذَنَنِي فِي زِيَارَةِ الرِّضَاعِ، فَأَذِنَ لِي، وَحَدَّثَنِي بِهَذَا الْحَدِيثِ، وَقَالَ: كُنْتُ فِي شَبَابِي لَا أَنْظُرُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ نَظَرَ إِيْمَانٍ، وَكُنْتُ أَعْتَلِي الطَّرِيقَ عَلَى أَهْلِ الزِّيَارَةِ، وَأَحْذُ مَا مَعَهُمْ مِنْ كِسْوَةٍ وَنَفَقَةٍ وَكُتُبٍ وَصُكُوكٍ. فَخَرَجْتُ يَوْمًا إِلَى الصَّيْدِ، وَأَجْرَيْتُ الْيُرْغَ وَوَجَّهْتُهُ فِي أَثَرِ الطَّبْنِيِّ، فَلَمَّ يَزَلِ الْيُرْغُ يَسْعَى وَرَاءَ الطَّبْنِيِّ حَتَّى لَجَأَ الطَّبْنِيُّ إِلَى جِدَارٍ فَوَقَفَ، وَوَقَفَ الْيُرْغُ مُقَابِلَهُ وَلَمْ يَقْرُبْهُ. فَكَلَّمَا حَتَّتْ الْيُرْغُ عَلَى الطَّبْنِيِّ لَمْ يَقْصِدْهُ وَلَمْ يَتَحَرَّكْ مِنْ مَكَانِهِ، وَإِذَا بَعْدَ الطَّبْنِيِّ عَنْ مَوْضِعِهِ مِنَ الْجِدَارِ سَعَى الْيُرْغُ فِي أَثَرِهِ، فَإِذَا لَجَأَ إِلَى

الْجِدَارِ رَجَعَ الْيَزُغُ، حَتَّى دَخَلَ الطَّبِي فِي نَقَبٍ فِي ذَلِكَ الْجِدَارِ لِمَقْبَرَةٍ. فَدَخَلْتُ الرَّبَاطَ، فَقُلْتُ: أَيْنَ هَذَا الطَّبِي الَّذِي دَخَلَ الْآنَ؟ فَقَالُوا: مَا رَأَيْنَا طَبِيًّا! فَأَتَيْتُ الْمَوْضِعَ الَّذِي دَخَلَ فِيهِ الطَّبِي، فَرَأَيْتُ أَثَرَهُ وَلَمْ أَرَ الطَّبِي. فَعَاهَدْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ لَا أَظْلِمَ أَحَدًا مِنَ الرُّؤَا، وَلَا أَخَذَ مَا مَعَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ. فَمَا وَقَعْتُ فِي شِدَّةٍ مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ إِلَّا قَصَدْتُ هَذَا الْمَشْهَدَ، فَرُزْتُ وَ سَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَى فِيهِ حَاجَتِي فَقَضَاهَا. وَ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَزُقَّنِي وَلَدًا، فَرَزَقَنِي وَلَدًا، فَلَمَّا بَلَغَ الْغُلَامُ قُتِلَ. فَعُدْتُ إِلَى الْمَشْهَدِ، فَسَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَزُقَّنِي وَلَدًا، فَرَزَقَنِي وَلَدًا. فَمَا سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ حَاجَةً إِلَّا قَضَاهَا. فَهَذَا مِنْ بَرَكَاتِ هَذَا الْمَشْهَدِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى سَاكِنِيهِ، ظَهَرَ لِي وَ وَقَعَ لِي.»

در بررسی رجالی این سلسله سند نکات زیر به دست می آید:

• أبو الفضل محمد بن أحمد بن إسحاق الطبرانی

در منابع رجال شیعه همچون رجال نجاشی، فهرست طوسی و رجال کشی ذکر می شود از او نیامده است. مرحوم خوئی در معجم رجال الحديث نیز نامی از وی نمی برد. بنابراین در ادبیات رجالی امامیه «مجهول» محسوب می شود.

• السید أبو جعفر محمد بن علی المازنی

این نام نیز در منابع رجالی امامیه شناخته شده نیست. در کتب اربعه رجالی (نجاشی، طوسی، کشی، برقی) اثری از او نیست و در منابع متأخر هم توثیق یا تضعیفی برای وی نقل نشده است. از این رو او نیز در شمار «مهملین» یا «مجهولین» قرار می گیرد.

• الحاكم الرزّی

در برخی منابع رجالی به افرادی با لقب «الحاکم» یا «الرزّی» اشاره شده، اما انطباق دقیق این شخصیت بر یکی از راویان معتبر روشن نیست. چون شواهد کافی برای شناسایی و توثیق او در دست نیست، این حلقه نیز از دیدگاه رجالی ضعیف ارزیابی می شود.

با توجه به این موارد، روشن است که سند روایت از منظر علم رجال امامیه دارای راویان مجهول و مهمل است و نمی تواند مبنای اعتبار حدیثی قرار گیرد. با این حال، وجود این نقل در عیون اخبار الرضا - که یکی از آثار معتبر و کهن امامیه در قرن چهارم است - نشان می دهد که مضمون روایت «ضامن آهو» صرفاً ساخته و پرداخته ی قرون متأخر نبوده، بلکه دست کم بازتابی در منابع حدیثی شیعه یافته است. این نکته ما را ناگزیر می سازد که میان «ضعف سند» و «وجود گزارش در منابع کهن» تفکیک قائل شویم.

ب) تحلیل رجالی روایت «بحار الانوار»

علامه مجلسی در بحار الانوار (ج ۴۸، ص ۳۲۸) گزارشی آورده است که مربوط به روزگار سلطان سنجر سلجوقی است. در این نقل آمده است که شاهی بیمار پس از مشاهده ی پناه گرفتن آهوئی در حرم امام رضا (ع) شفا می یابد و سپس دستور ساخت بارگاهی بر مرقد امام صادر می کند.

این گزارش، برخلاف روایت عیون اخبار الرضا، با سند حدیثی کامل همراه نیست. بلکه به صورت روایتی تاریخی/ادبی ذکر شده و مجلسی آن را از منابع پیشین گرفته است. در واقع، مجلسی این نقل را از کتاب هایی چون «روضات» یا «تاریخ مشهد» و آثار مشابه متأخر برگرفته و به صورت یک روایت تاریخی درج کرده است.

نتیجه از دیدگاه رجالی به شرح زیر می باشد:

- سند دقیق با سلسله راویان معین در بحار ذکر نشده است.
- از این رو امکان بررسی رجالی تک تک راویان وجود ندارد.
- به همین جهت، روایت از منظر حدیثی در شمار «مراسیل» یا حتی «حکایت تاریخی» قرار می‌گیرد، نه روایت مسند. با وجود این ضعف سندی، اهمیت روایت بحار در این است که نشان می‌دهد مضمون «پناه گرفتن آهو» در قرون میانه و به‌ویژه در دوره‌های متأخر، به هویت زیارتی و فرهنگی مشهد پیوند خورده است. به بیان دیگر، مجلسی با نقل این حکایت در بحار، آن را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی-مذهبی شیعه تثبیت کرده، هرچند به لحاظ علمی و رجالی اعتباری برای آن قائل نیست.

۳.۶. تحلیل سندی

الف) بررسی سندی روایت اول (منسوب به صدوق): در مقدمه کتاب «عیون اخبار الرضا» تألیف شیخ صدوق (محمد بن علی بن بابویه، متوفای ۳۸۱ ق) تصریح کرده که: «وَلَمْ أَقْتَصِرْ فِيهِ عَلَى مَا اعْتَمَدْتُهُ وَصَحَّ عِنْدِي...» (من در این کتاب، تنها به روایاتی که به آنها اعتماد دارم و نزد من صحیح است، اکتفا نکرده‌ام...) این به معنای آن است که وجود یک روایت در «عیون»، به خودی خود، دلالت بر صحت و اعتماد صدوق به آن ندارد. راوی داستان، فردی به نام «ابو منصور بن عبد الرزاق» است. این شخصیت در کتب معروف رجالی شیعه (مانند «فهرست شیخ طوسی»، «رجال نجاشی» و «خلاصه الاقوال علامه حلی») ذکر نشده است. بنابراین، او از نظر علم رجال، مجهول‌الحال (ناشناخته) است. ما هیچ اطلاعاتی درباره عدالت، وثاقت یا حتی زندگی او نداریم. پس این روایت به دلیل جهالت راوی اصلی (ابو منصور بن عبد الرزاق)، از نظر سندی «ضعیف» یا «سنداً مرسل» محسوب می‌شود.

ب) بررسی سندی روایت دوم (منسوب به مجلسی): هدف مجلسی در بحار، جمع‌آوری جامع میراث حدیثی شیعه بود، حتی اگر روایات، ضعیف یا فاقد سند کامل باشند. او اغلب این حکایات را از کتب تاریخی یا ادبی پیشین نقل می‌کند بدون ذکر سند متصل. علامه مجلسی این داستان را بدون هیچ سندی نقل می‌کند. او صرفاً می‌گوید این حکایت در برخی منابع آمده است. بنابراین، این گزارش به طور کامل «فاقد سند» (بلاسند) است. از آنجا که این روایت هیچ زنجیره راویانی ندارد، از منظر درایه و حدیث، «سنداً معتبر محسوب نمی‌شود». امکان بررسی وثاقت راویان آن وجود ندارد، لذا از پایه، فاقد شرایط لازم برای بررسی سندی است.

جمع‌بندی مقایسه‌ای صرفاً سندی

ویژگی	روایت اول (صدوق)	روایت دوم (مجلسی)
منبع	عیون اخبار الرضا	بحار الانوار
وضعیت سند	دارای یک سند با راوی نهایی مجهول	فاقد سند (بلاسند)
درجه اعتبار سندی	ضعیف (به دلیل راوی مجهول)	فاقد اعتبار سندی (به دلیل فقدان سند)
نتیجه	از نظر سندی قابل استناد نیست	از نظر سندی قابل استناد نیست

هر دو روایت از نظر شرط اساسی اعتبار، یعنی وجود سند صحیح و متصل به معصوم، فاقد اعتبار هستند. روایت اول

دارای سندی ضعیف است و روایت دوم اساساً فاقد سند می‌باشد. بنابراین، هیچ‌یک از این دو روایت از منظر علم الحدیث و سندشناسی، معتبر محسوب نمی‌شوند.

۴. تحلیل محتوایی و فقهی روایت با ارجاع به منابع اسلامی

۴.۱. ناسازگاری با مبانی فقهی

یکی از اشکالات محتوایی روایت، ناسازگاری آن با اصول فقهی است. در روایت ضامن آهو، حیوان به زبان انسان سخن می‌گوید و از امام رضا(ع) درخواست ضمانت می‌کند. در حالی که در مبانی فقه اسلامی، حیوانات فاقد تکلیف و اهلیت حقوقی‌اند و نمی‌توانند طرف عقد ضمان یا عهد قرار گیرند. همچنین ضمانت کردن حیوان در فقه هیچ مبانی شرعی ندارد و اصولاً عقد ضمان میان اشخاص عاقل و بالغ شکل می‌گیرد. از این رو مضمون روایت، از نظر فقهی غیرقابل پذیرش است.

۴.۲. تحلیل در چارچوب عقلایی

از منظر عقلایی نیز، ماجرای بازگشت آهو به دلیل وفای به عهد، با مبانی عقلی و تجربه زیستی سازگار نیست. حیوانات در عالم واقع چنین تعهدی را نمی‌شناسند. در نتیجه، روایت بیشتر جنبه تمثیلی دارد و نمی‌تواند به عنوان گزارشی واقعی تلقی شود.

۴.۳. عناصر تمثیلی و ادبی روایت

اگرچه روایت از نظر فقهی و عقلایی قابل دفاع نیست، اما از منظر ادبی و تمثیلی حامل معانی عمیقی است:

- گفت‌وگوی حیوان با امام نشانه‌ای از ولایت تکوینی معصوم است.
 - ضمانت امام برای حیوان، نمادی از شمول رحمت او بر تمام موجودات است.
 - وفای آهو به عهد، تأکیدی بر کرامت و حرمت حرم رضوی است.
- این عناصر در ادبیات دینی و آیینی نقش مهمی در تثبیت جایگاه روایت ایفا کرده‌اند.

۴.۴. کارکرد تربیتی و آیینی

فارغ از نقدهای فقهی، روایت ضامن آهو در سطح تربیتی و آیینی کارکرد گسترده‌ای داشته است. در مجالس روضه و منبر، این روایت همواره به عنوان نمونه‌ای از مهر و عطوفت امام رضا(ع) بازگو شده و سبب تقویت پیوند عاطفی میان مردم و امام گردیده است. در حقیقت، روایت توانسته نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت مذهبی مشهد و زیارت امام رضا(ع) ایفا کند.

۵. تحلیل تفسیری-باطنی و عرفانی روایت ضامن آهو در سنت معرفت شیعی

۵.۱. ورود به ساحت باطنی روایات

در سنت معرفتی شیعه، همواره میان «ظاهر» و «باطن» متون دینی تفاوت قائل شده‌اند. بر اساس آموزه‌های تأویلی

امامیه، بسیاری از روایات، آیات و حتی وقایع تاریخی، دارای لایه‌های درونی و رمزی‌اند که درک آن‌ها نیازمند تأمل عرفانی و شهودی است. روایت ضامن آهو نیز، هرچند فاقد سند حدیثی است، اما از نظر عرفانی و باطنی، قابلیت‌هایی برای تأویل و تفسیر معنوی دارد.

۲.۵. نمادشناسی عناصر روایت

بر اساس روش تأویلی عرفا و حکمای اسلامی، می‌توان عناصر اصلی روایت را به شرح زیر تحلیل کرد:

- آهو: نماد نفس انسانی است که گرفتار جهان مادی شده و میان تعلقات و مسئولیت‌های فطری خود (فرزندان، حقیقت، بازگشت) درگیر است. در اشعار عرفانی، آهو گاه نماد لطافت، آزادگی و طلب می‌شود (مانند غزلیات حافظ و عطار).

- شکارچی: نماد نفس اماره، دنیا، یا تعلقاتی است که می‌خواهد این نفس لطیف را در بند بکشد.
- امام رضا(ع): نماد ولی کامل، مظهر رحمت الهی و شفیع در مسیر رهایی است. در عرفان اسلامی، امام به‌عنوان «قطب» یا «انسان کامل» واسطه فیض و نجات سالک است.
- ضمانت: کنایه از عهد ولایت است؛ یعنی انسان مؤمن با توکل به ولی خدا، از بند نفس و دنیا رهایی می‌یابد.
- بازگشت آهو: نماد وفاداری نفس سالک به عهد خود با ولی خدا و حرکت در مسیر بازگشت به اصل فطرت است.

۳.۵. تأویل روایت در آثار حکمی و عرفانی

الف) ملاصدرا

در «الأسفار الأربعة»، ملاصدرا ولایت را فیض نازل از حضرت حق می‌داند که به‌واسطه «انسان کامل» به موجودات می‌رسد. امام رضا(ع) در این نگاه، ضامن اتصال میان خلق و خالق است؛ چنان‌که در این روایت نیز، آهو بدون ضامن، راهی به بقا و نجات ندارد (ملاصدرا، اسفار: ج ۶، باب ولایت).

ب) فیض کاشانی

در تفسیر صافی، فیض ولایت را نوری می‌داند که دل را روشن می‌سازد. او تأکید می‌کند که اولیای الهی حتی نسبت به حیوانات نیز رحمت دارند، و این رحمت، نه فقط نشانه اخلاق، بلکه نماد حضور خداوند در قلب ولی اوست (فیض، صافی: ذیل آیات رحمت).

ج) عرفای متأخر و ادبیات رمزی

در اشعار پروین اعتصامی و برخی اشعار آیینی معاصر نیز، عناصری از این روایت به‌صورت تمثیلی برای بیان مضامین معرفتی به‌کار رفته‌اند. مثلاً در شعری از پروین آمده:

«کجا دادی پناه آهوی تنها، توای شاهی که در دل مهر داری»

این بیت، صراحتاً به روایت ضامن آهو اشاره دارد اما به‌جای توجه به ظاهر ماجرا، بر نقش باطنی و عرفانی امام در پناه‌بخشی تمرکز دارد.

۴.۵. سیر و سلوک سالک در پرتو روایت

در نگاه عرفان عملی، روایت ضامن آهو را می‌توان الگویی برای مراحل سلوک تلقی کرد:

- بیداری نفس (آهو در مواجهه با خطر)
- توسل به ولی کامل (درخواست شفاعت)
- پذیرش عهد (ضمانت)
- بازگشت و وفاداری به عهد (وفای به سلوک)
- ایمان آوردن دیگران (تحول در محیط از طریق سلوک فردی)

۵.۵. نتیجه‌گیری باطنی-عرفانی

از منظر عرفانی، روایت ضامن آهو حتی در غیاب سند معتبر، همچون تمثیلی از سیر انسان در مسیر حق قابل خوانش است. در این تأویل، امام رضا(ع) نه فقط یک شخصیت تاریخی، بلکه مظهر ولایت رحمانی و هادی طریق در ظلمت دنیا است. چنین خوانشی، جایگاه این روایت را در عرفان شیعی تثبیت می‌کند و بیانگر پیوند عمیق دین با لایه‌های رمزی و معنوی تجربه دینی است.

۶. تحلیل کلامی روایت «ضامن آهو»

۶.۱. ولایت تکوینی امام

یکی از آموزه‌های محوری کلام امامیه، اعتقاد به ولایت تکوینی امامان است؛ بدین معنا که آنان به اذن خداوند بر عالم تکوین سلطه دارند و می‌توانند در طبیعت تصرف کنند. مضمون روایت ضامن آهو که در آن حیوان به زبان می‌آید و از امام رضا(ع) یاری می‌طلبد، اگرچه از نظر سندی مردود است، اما با این اصل کلامی هماهنگ است و جلوه‌ای تمثیلی از ولایت تکوینی امام را بازنمایی می‌کند.

۶.۲. شفاعت و رحمت عام امام

مفهوم «ضمانت» در این روایت، از منظر کلامی می‌تواند نمادی از شفاعت امامان باشد. همان‌گونه که امام رضا(ع) ضامن حیوانی ضعیف می‌شود، در باور شیعی، امامان ضامن امت خویش در قیامت هستند. این مضمون در تقویت باور به شفاعت و رحمت عام امام نقشی کلیدی داشته و سبب پذیرش و گسترش روایت در فرهنگ شیعی گردیده است.

۶.۳. کرامت و اعجاز

از منظر الهیات شیعی، کرامت‌ها نشانه‌ای از صدق مقام امامت‌اند. ماجرای پناه گرفتن آهو و ضمانت امام، هرچند سند حدیثی ندارد، اما به‌عنوان «کرامت» در سنت روایی و زیارتی شیعه تفسیر شده است. این نگاه موجب شد روایت ضامن آهو در طول تاریخ، حتی بدون پشتوانه سندی، مورد پذیرش عاطفی و ایمانی قرار گیرد.

۶.۴. پیوند روایت با هویت زیارتی مشهد

از قرون متأخر به بعد، روایت ضامن آهو به‌طور گسترده با هویت زیارتی مشهد پیوند خورده است. در کتیبه‌ها، روضه‌ها و تعزیه‌ها، این داستان نماد بارز عطوفت امام هشتم شد. بدین ترتیب، روایت نه تنها یک گزارش حدیثی، بلکه بخشی از اعتقادات و آیین‌های زیارتی را تشکیل داد و به بازتولید پیوند میان شیعیان و امام رضا(ع) انجامید.

۷. تحلیل داده‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روایت ضامن آهو از نظر سند و رجال در منابع اصلی شیعه و اهل سنت وجود ندارد. جست‌وجو در آثار حدیثی معتبر همچون الکافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، استبصار و همچنین در مجموعه‌های حدیثی اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم، نشان داد که این روایت مطلقاً نقل نشده است. حتی در آثار متأخر مانند بحارالانوار نیز گزارشی مستقل از این روایت وجود ندارد.

بررسی منابع جعلیات (الموضوعات ابن جوزی، اللآلئ المصنوعة سیوطی، تنزیه الشریعة ابن عَرَقی) نیز بیانگر آن است که روایت ضامن آهو اساساً در شمار احادیث مطرح نبوده است. این امر یا به دلیل ناشناخته بودن روایت در قرون نخستین است یا از آن‌رو که در نظر محدثان، فاقد ارزش حتی برای نقد و رد بوده است.

با این حال، دو گزارش متأخر در عیون اخبار الرضا و بحارالانوار حاوی مضامینی مشابه‌اند. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که عنصر «پناه گرفتن آهو به حرم امام رضا(ع)» از قرون متأخر وارد حافظه دینی شیعه شده و به مرور در آیین‌های زیارتی و روایی تثبیت یافته است.

از نظر فقهی و عقلایی، مضمون روایت با قواعد ضمان و اصول حقوقی اسلام سازگار نیست؛ زیرا حیوان فاقد اهلیت حقوقی است و نمی‌تواند طرف عقد قرار گیرد. همچنین وفای حیوان به عهد با مبانی عقلایی ناسازگار است.

با وجود این اشکالات، روایت از منظر کلامی واجد ارزش‌های خاصی است:

- در پرتو اصل ولایت تکوینی، گفت‌وگوی آهو با امام معنای نمادین می‌یابد.
- در پرتو اصل شفاعت، ضمانت امام نشانه‌ای از رحمت و حمایت او از همه موجودات تفسیر می‌شود.
- در پرتو مفهوم کرامت، این داستان به‌عنوان نشانه‌ای از صدق مقام امامت در حافظه جمعی شیعه تثبیت شده است. بررسی‌های تطبیقی و مردم‌شناختی نیز نشان داد که روایت‌هایی با مضمون مشابه (گفت‌وگوی حیوان با انسان مقدس یا وفای حیوان به عهد) در دیگر سنت‌های دینی وجود دارد، اما گستردگی و تأثیر روایت ضامن آهو در فرهنگ شیعی بی‌همتاست.

۸. نتیجه‌گیری

بررسی انجام‌شده درباره روایت مشهور «ضامن آهو» نشان می‌دهد که این حکایت با صورت رایج و شناخته‌شده‌اش در منابع اصلی حدیثی شیعه و اهل سنت گزارش نشده است. در متون بنیادین شیعه مانند الکافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و الاستبصار و نیز در جوامع حدیثی معتبر اهل سنت، نقل مسند و قابل ارجاعی از این داستان یافت نمی‌شود. همچنین در بسیاری از نقل‌های متأخر نیز روایت غالباً به صورت مرسل، بی‌سند یا با ارجاعات مبهم عرضه شده است؛ به‌گونه‌ای که از منظر علم رجال و درایه، امکان بازیابی سلسله سند و ارزیابی وثاقت راویان فراهم نیست. بر این اساس، نتیجه سندی پژوهش آن است که روایت ضامن آهو از حیث معیارهای فنی حدیث‌پژوهی، فاقد اعتبار و حجیت نقلی است و در زمره روایات غیرمعتبر و در برخی صورت‌بندی‌ها، موضوعه قرار می‌گیرد.

با این حال، تحلیل محتوایی و کلامی روایت نشان می‌دهد که مضمون آن با برخی آموزه‌های بنیادین الهیات امامیه سازگار است. محورهایی مانند کرامت اولیای الهی، رأفت و رحمت امام، توسل و شفاعت، و نیز امکان تصرف و امداد به

اذن الهی (که در ادبیات کلامی شیعه از آن با تعبیری چون ولایت تکوینی یاد می‌شود) در ساختار معنایی این حکایت حضور پررنگ دارند. همین همخوانی مفهومی سبب شده است که روایت، علی‌رغم ضعف سندی، برای مخاطب شیعی «باورپذیر» جلوه کند و در تجربه زیسته دینداران جایگاهی پایدار به دست آورد.

نتیجه مهم‌تر آن است که روایت ضامن آهو نمونه‌ای روشن از تمایز میان «اعتبار نقلی» و «کارکرد اعتقادی-فرهنگی» است. از منظر حدیثی، این حکایت نمی‌تواند مبنای استدلال فقهی یا اثبات گزاره‌ای اعتقادی قرار گیرد و نسبت قطعی آن به امام (ع) روا نیست؛ اما از منظر فرهنگی و آیینی، نقش مهمی در تقویت پیوند عاطفی با امام رضا (ع)، بازنمایی چهره‌ای رحمانی از امامت، و شکل‌دهی به الگوهای توسل و زیارت در دین مردمی ایفا کرده است. بر این اساس، مواجهه علمی با روایت ضامن آهو باید دوگانه اما منسجم باشد: دقت و امانت در نقد سندی، و در عین حال، بازشناسی و تبیین کارکردهای تربیتی و هویتی آن، بدون تبدیل کردن روایت غیرمعتبر به «حدیث مستند».

منابع:

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۳۸۳ق)، کتاب/الموضوعات، بیروت: المكتبة السلفية.
۲. ابن عَرَقی، علی بن محمد، (۱۴۰۰ق)، تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة الموضوعة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳. اعتصامی، پروین، (۱۳۲۰)، دیوان/شعار، تهران: کتابخانه ملی.
۴. الیاده، میرچا، (۱۳۹۴)، اسطوره، رؤیا، راز، ترجمه: رؤیا منجم، تهران: فکر روز.
۵. جعفریان، رسول، (۱۳۸۸)، تأملی در نهضت عاشورا، تهران: نشر علم.
۶. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۹۰)، دیوان حافظ، تصحیح: قزوینی و غنی، تهران: زوار.
۷. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه الخوئی.
۸. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۸ق)، الحدیث الموضوع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۹. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۸ق)، بحوث فی الملل والنحل، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۳ق)، اللآلئ المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة، بیروت: دارالمعرفة.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۷۱ش)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (بی‌تا)، عیون اخبار الرضا، قم: نشر اسلامی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق)، تهذیب الأحکام، قم: دارالکتب الإسلامیة.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، الاستبصار، قم: دارالکتب الإسلامیة.
۱۵. عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۸۵)، منطق‌الطیر، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن، (بی‌تا)، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن، (بی‌تا)، تفسیر صافی، تهران: کتابخانه اسلامیة.

۱۸. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: دانشگاه مشهد.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۰. گیرتز، کلیفورد، (۱۳۹۶)، *تفسیر فرهنگ‌ها*، ترجمه: آتوسا رفیعی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۲. ملاصدرا (صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی)، (بی‌تا)، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، قم: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۱۶ق)، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
24. Durkheim, Émile, (2001 / 1383ش), *The Elementary Forms of Religious Life*, Trans. B.Parham, Tehran: Nashr Ney.